

## در باره شهید کربلا "جون"

دکتر رحیم نوبهار

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

۱. نقطه عزیمت این یادداشت به اعتباری نوعی احساس گرایی است. این که احساسات و عواطف ما باید ناظر به همه شهدای کربلا باشد. دین و مسئولیت ما در برابر شهیدان کربلا نیز به خود امام حسین(ع) و شهدای برجسته بنی هاشم، مانند: ابوالفضل العباس و علی اکبر- سلام خداوند بر آنان- نباید محدود باشد. باید از همه شهیدان کربلا سخن بگوییم. شاید برجسته سازی ابعاد احساسی عاشورا و شهیدان کربلا سبب شده است تا ما تنها بر شهیدان اهل بیت(ع) تکیه کنیم و دیگر شهیدان بزرگ را به فراموشی بسپریم. اما حتی از چشم اندازی احساسی و عاطفی می توان پرسید: چگونه می توان نسبت به برخی از شهیدان کربلا بی تفاوت و بی احساس بود؛ از آنان یاد نکرد و یاد و نامشان را زنده نگه نداشت؟

۲. از چشم اندازی دیگر عاشورا را امام حسین(ع) و مجموعه یاران وی بر ساختند. مجموعه ویژگی ها و برجستگی های عاشورا، تنوع و چند بُعدی بودن آن، حاصل پایمردی، ایثار، اخلاص و شهادت امام(ع) و همه یاران اوست. نقش امام حسین(ع) در رهبری و مدیریت این حرکت از آغاز تا فرجام البتة انکارناکردنی است؛ اما آیا امام(ع) بدون داشتن چنان یارانی می توانست حماسه و صحنه ای چنین جامع، متعالی و بی نقص بیافریند؟

امام حسین(ع) خود قدردان و قدرشناس یاران خود بود. برابر نقل ها امام(ع) شبانگاه عاشورا در توصیف یاران و خاندانش خویش فرموده است:

"من یارانی باوفاتر و بهتر از یاران خود نمی شناسم و خاندانی نیکوتر و خویشاوند دوست تر از اهل بیت خویش سراغ ندارم."<sup>۱</sup>

می دانیم که بدریون یعنی آنان که در غزوه بدر با پیامبر(ص) بودند، پیوسته از راه های گوناگون توصیف و تمجید شده اند؛ اصطلاح و عنوان بدریون تا زمان امام حسین(ع) و حتی پس از آن نیز در ذهن ها و بر سر زبان ها بوده است. با این حال امام(ع) در ترجیح یاران خویش و بیان برتری مطلق آنان حتی بدریون را هم استثنا نکرده است.

۳. جون یکی از بردگان حاضر در کربلا و از شهیدان عاشورا است. گفته می شود او غلام ابوذر غفاری بوده است که پس از رحلت مظلومانه و غریبانه ابوذر در تبعیدگاهش ریزه، به مدینه باز گشته است؛ نخست در خدمت امیرالمومنین علی(ع) و پس از آن در خدمت امامان معصوم، امام حسن، امام حسین و امام سجاد(ع) بوده است. برابر برخی نقل ها او به حرفه سلاح سازی هم آشنا بوده و شب عاشورا هم به اصلاح سلاح ها مشغول بوده است. او در کربلا از بزرگسالان بوده است. امام(ع) او را از بردگی آزاد و رها ساخت و به او پیشنهاد داد تا کربلا را ترک کند و برود؛ اما او از سر انتخاب و اختیار در کربلا ماند و از شهیدان جاودان عاشورا شد. برابر برخی نقل ها او پیشتر توسط خود ابوذر آزاد شده بود و به دلیل عشق به اهل البیت(ع) پیوسته با آنان بود.<sup>۲</sup> جون البتة تنها برده یا برده آزاد شده در کربلا نبود. بردگان و غلامان دیگری مانند اسلم ترکی و شوزب نیز در کاروان کربلا و شهیدان عاشورایی بوده اند. حتی گفته

می شود برخی دیگر از شهیدان کربلا با برده خود در این حماسه بزرگ شرکت داشته اند و هر دو به شهادت رسیده اند. برخی نقل ها شمارگان موالی حاضر در کربلا را شش تن برشمرده اند.<sup>۳</sup>

۴. حضور جَوْن یا دیگر غلامان و بردگان در میان یاران امام و شهیدان کربلا برانگیزنده این پرسش است که مگر امامان معصوم(ع) هم برده داشته اند؛ مگر آنان اصولاً با برده داری موافق بوده اند که خود برده داشته اند؟ انگیزه این یادداشت جدا از جنبه احساسی آن، انگشت گزاردن بر همین پرسش است که تأمل در پاسخ آن چه بسا راهگشا باشد. بویژه این که ما امروزه برابر وجدان اخلاقی خود بردگی را نمی پذیریم و اصولاً شناسایی و لحاظ رابطه "ملکیت" میان دو انسان را نامعقول می دانیم.

۵. یک پاسخ به پرسش یادشده می تواند این باشد که در مقام داوری در باره وجه اخلاقی رفتار دیگران باید به زمینه (Context) و شرایطی که عمل در آن صورت گرفته است توجه کرد؛ بدون درک و دریافت زمینه و اوضاع و احوالی که عمل اخلاقی در آن صورت گرفته است نمی توان داوری اخلاقی درستی در باره آن عمل داشت. امروزه زمینه گرایان در میان مکاتب اخلاقی موجود خود رویکرد و نگاهی قابل توجه به شمار می آیند. زمینه گرایی اخلاقی (Moral Contextualism) الزاماً ارزش های اخلاقی را کاملاً نسبی نمی داند. زمینه گرایی همچنین الزاما به معنای سودانگاری نیست. حتی قرآنتی از زمینه گرایی می تواند با اخلاق وظیفه گراهمدلی داشته باشد. یک وجه مهم زمینه گرایی اخلاقی این است که انسان به عنوان کنشگر اخلاقی باید زمینه هایی را که در آن عمل می کند به خوبی بشناسد. از نظر زمینه گرایی، درک دقیق موقعیتی که آدمی در آن به عمل اخلاقی فراخوانده می شود، خود یک تکلیف مهم اخلاقی است. با آن که انسان وظیفه و امر مطلق دارد، باید شرایط را خوب بشناسد تا درست عمل کند. اگر انسان نتواند امور را به درستی بشناسد نمی تواند به وظیفه اش عمل کند. برابر این نگاه، کنشگر اخلاقی در مقام تشخیص وظیفه باید برای شناخت اقدام مناسب، فعال و هوشمند باشد. به همین ترتیب در مقام داوری در باره رفتار اخلاقی نیز زمینه و اوضاع و احوالی که عمل در آن صورت گرفته در ارزیابی اخلاقی عمل مؤثر خواهد بود.

به نظر مسلمانان، پیامبر(ص) و به نظر شیعیان، امامان معصوم(ع) نیز انسان هایی کامل بوده اند؛ اما با پذیرش این دو پیش فرض که: الف. برخی از آنان برده داشته اند و ب. ما امروزه برده داری را اخلاقاً موّجه نمی دانیم؛ می توان گفت که همه ساختارها و روابط اجتماعی که آن بزرگواران در آن زیست کرده و احياناً به دلیل جبرهای اجتماعی بدان رضایت داده اند، لزوماً متعالی ترین شکل زندگی آرمانی آنان نبوده است. برای داوری در باره وضعیت اخلاقی برده داری در آن زمان نمی توان بدون لحاظ زمینه های اجتماعی و فرهنگی مسلط در آن زمان، داوری اخلاقی نمود.

۶. بر پایه پذیرش رویکرد پیش گفته، پیروی از "سنت" که در قرآن بر آن تأکید شده و جزو اصول رفتاری هر مسلمانی است، معنای خاصی پیدا می کند؛ نخست فهم خود سنت آن قدر که در آغاز جلوه می کند آن قدرها آسان نیست. چه، تقریر و رضای ظاهری معصوم(ع) از هر پدیده ای الزاما به معنای رضایت واقعی بدان نیست. در واقع، پیرو سنت باید دل مشغول آرمان ها و ایده آل های "سنت" هم باشد و شکل ها و قالب هایی که احياناً محصول جبر زمانه بوده است را به مثابه سنت قلمداد نکند. به رغم تلاش های سترگ و توفیق های عظیم پیامبر(ص) در زمینه ساخت جامعه ای اخلاقی و اسلامی، مدینه حتی در زمان ارتحال پیامبر(ص) نه آرمان شهر آن حضرت بود و نه اتوپیای مسلمانان دیروز و امروز. شهر آرمانی مسلمانان شهر و جامعه ای است که پیامبر(ص) آن را در ذهن صاف و جان بیدار و دل پاکش

داشت؛ جامعه ای که او پیوسته برای برپایی آن کوشید اما تا رسیدن بدان هنوز فرسنگ ها فاصله باقی مانده بود. هنر مسلمانان در پیروی از سنت، تلاش برای رسیدن به همین آرمان است؛ نه جمود و انجماد بر ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مدینه عصر پیامبر(ص) یا جامعه زمان امامان(ع).

۷. آرمان شهر پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) با تقریر پیش گفته، خیالی و ذهنی نخواهد بود. پیروی از سنت هم پیروی از امری ذهنی و غیرعینی نخواهد بود. پیامبر(ص) ابعاد جامعه آرمانی خویش را در زمینه های گوناگون پیوسته ترسیم کرده اند. تنها برای نمونه، پیامبر(ص) سال ها پیش از لغو برده داری فرموده بود: "جبرئیل پیوسته مرا چندان به رعایت حال بردگان توصیه می نمود که یقین کردم به زودی زمانی تعیین خواهد کرد که وقتی آن زمان فرا برسد، همه آنان آزاد خواهند شد."<sup>۴</sup> پیامبر(ص) در اعتراض به سنت جاهلی در زمینه اختیار بی حد و حصر مردان بر طلاق نیز فرمود: "جبرئیل مرا پیوسته به رعایت حال زنان توصیه می فرمود چندان که گمان بردم طلاق زنان تنها در صورتی که مرتکب گناهی آشکار شوند جایز است."<sup>۵</sup> به موجب احادیثی چند از پیامبر(ص) زن نباید بدون محرم مسافرت نماید. همزمان از عدی پسر حاتم نقل شده است که: نزد پیامبر(ص) بودم. کسی نزد آن حضرت آمد و از تنگدستی شکایت کرد؛ آن گاه دیگری آمد و از راهزنی شکایت کرد. پیامبر(ص) خطاب به من فرمود: عدی! آیا تا کنون حیره (یکی از شهرهای عراق) را دیده ای؟ گفتیم: آن جا را ندیده ام، ولی در باره آن شنیده ام. پیامبر(ص) فرمود: "اگر طولانی زندگی کنی، خواهی دید که زن از حیره به مکه به طواف خانه خدا می آید و ترس هیچ کس جز خداوند را به دل ندارد..."<sup>۶</sup> اگر این نقل درست باشد نشان می دهد که آرمان پیامبر(ص) برقراری چنان امنیتی بوده است که زنان نیز بتوانند بدون محرم سفر کنند؛ نه این که وجود محرم با زن، حکم ازلی و ابدی شرع باشد. وقتی پیامبر(ص) به چیزی بشارت می دهد یعنی آن را دوست دارد و برای پیدایش آن حالت و وضعیت تلاش باید کرد. مطلوب بودن چیزی تنها از اوامر صریح و مستقیم شرع استفاده نمی شود؛ بیان این بشارت ها و آرزوها نیز جهت گیری های دین را به ما می آموزد. این مسأله که باید به بشارت های پیامبر(ص) همچون اموری مطلوب توجه کرد، از زمان شافعی تا کنون در مباحث اصولی به گونه های مختلف میان دانشمندان اصول مطرح بوده است.<sup>۷</sup>

شرایط و ساختارهای اجتماعی زمانه پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) نه برای لغو برده داری آماده بود؛ نه برای بیشتر محدود کردن اختیار مردان در طلاق، نه توسعه امنیت انسانی و نه برای بسیاری دیگر از اصلاحات اجتماعی. بنا بود بخشی از این اصلاحات توسط جانشینان پاک پیامبر(ص) صورت گیرد؛ کاری که به لحاظ تاریخی تنها اندکی فرصت ظهور و بروز یافت؛ بخشی از آن نیز بنا بود در سایه اجتهادهای ژرف و زمان نگر صورت گیرد؛ که آن نیز به دلایل گوناگون از جمله تلقی خاصی از پیروی از سنت عملی نشد. رسالت امروز و هر روزه مسلمانان پیگیری این آرمان ها و گرفتار نشدن در دام شکل گرایی و ظاهرگرایی است. فروکاستن پیروی از سنت به خلال کردن با چوب درختی خاص و اندازه لباس و بلندی ریش جفا بر سنتی است که آرمان های اخلاقی و معنوی والایی داشته است. نتیجه این گونه تفسیر از سنت و پیروی از آن، همین سلفی گری های کور و بی روح و خشن زمانه ماست است که البته می تواند قرائت های مختلفی داشته باشد و مراتبی از آن را در هر جا می توان یافت.

۸. کمال پیامبر(ص) و اهل بیت پاک او(ع) در این بود که آنان همه توان خود را برای ساختن جامعه آرمانی اسلام به کار گرفتند؛ آنان با لحاظ روح واقع گرایی برای انسانی کردن و اخلاقی کردن جامعه کوشیدند؛ اما هیچ گاه موفق نشدند جامعه آرمانی خود را بنا کنند. آرمان های آن بزرگواران را البته با

حس و خواب و خیال نمی توان تعیین کرد؛ آن آرمان از رهگذر درنگ و تأمل در سنت گفتاری و کرداری آنان آشکار می شود؛ پس به نام آرمان گرایی، متون مقدس را نمی توان کنار نهاد؛ آن ها همچنان چراغ راه ما هستند؛ اما از سوی دیگر چشم فرو بستن بر این آرمان ها و خیره شدن در گفتار و کردار آنان بدان می ماند که کسی با انگشت اشاره دیگری را به جایگاه ماه در آسمان دلالت کند؛ اما مخاطب به جای آسمان به سر انگشت خیره شود. فهم رایج از سنت در موارد زیادی از همین باب است؛ غفلت از جهت و رویکرد. این فهم که از جهت گیری های سنت غفلت می کند، به تأکید بر ظواهر سنت و غفلت از جوهر و محتوای آن می انجامد. یکی از دعا های امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه به درود فرستادن بر پیروان پیامبران و تصدیق کنندگان آن ها (ع) اختصاص یافته است. در این دعا امام (ع) پیروان سنت را کسانی معرفی می کند که به "سمت"، "جهت" و "شاکله" سنت پایبندند.<sup>۸</sup> تنها پایبندی به شاکله و چارچوب سنت بدون توجه به سمت و سویی که سنت باید در بستر زمان و مکان به سوی آن بشتابد، غفلتی بزرگ و بس زیانبار خواهد بود.

۹. بگذارید به کربلا و شهید گمنام آن جَوَن برگردیم؛ همو که گاه نبرد رجز می خواند:

کافران ضربه های شمشیر غلام سیاه را در دفاع از خاندان محمد چگونه می بینند؟

من با زبان و دست از خاندان محمد دفاع می کنم و با این جهاد در روز قیامت امید به بهشت دارم.<sup>۹</sup>  
شهیدی که امام گاه شهادت بر بالینش آمد؛ آن گونه که بر بالین برادر و جوانش آمد و در حق او چنین دعا کرد:

خداوندا! چهره اش را سفید گردان و بویش را معطر نما! با نیکانش محشور نما و او را همنشین محمد و آل او نما.<sup>۱۰</sup>

۱۰. باری امام حسین (ع) در آن زمینه و فضا روح مساوات گرایی و انسان گرایی و توجه به کرامت ذاتی انسان ها جدا از جایگاه اجتماعی آن ها را این اندازه می توانست ترویج و توسعه دهد که با برده همچون عزیز جانش و نزدیک ترین کسانش رفتار کند، بر بالین آن ها بیاید و برابری انسانی را در حقشان رعایت فرماید. اما لغو برده داری در آن زمان به دلایل گوناگون ذهنی- روانی- اقتصادی و اجتماعی ممکن نبود؛ این کار شاید حتی به نفع بردگان هم نبود. برخی بردگان در صورت آزادی نه حرفه قابل توجهی می دانستند، نه شرایط زندگی مستقل برایشان فراهم بود. این تنها بردگی نیست که زمینه لغو کامل آن فراهم نبود؛ ده ها مسأله اجتماعی دیگر هم بود که معصومان آهنگ اصلاح آن را داشتند اما زمینه و فرصت نبود. در مقام داوری در باره هر قول و فعل معصوم باید با رویکرد زمینه گرایی، زمینه های ذهنی، ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و گفتمان مسلط زمانه آن بزرگواران را در نظر گرفت. در مقام داوری اخلاقی در باره رفتار آنان باید آن ها را در ظرف زمانه خود دید و به و تنگناها و جبرهای زمانشان را نیک در نظر داشت. به همین ترتیب در پیروی از آنان باید پیوسته در کنار توجه به جنس و نوع رفتارشان به آرمان بلند و مقدسشان نیز چشم دوخت. متونی که این آرمان ها را بیان می کند نیز بخشی از سنت است و باید بدان توجه کافی کرد. پیشوایان ما آرمان های تحقق نیافته- که ما باید امروزه آن ها را پیگیری کنیم - بسیار داشتند.

۱. أما بعد فاني لا اعلم أصحابا أوفى ولا خيراً من أصحابي ولا أهل بيت أبر ولا أوصل من أهل بيتي. (مفيد، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۹۱، آل البيت (ع)، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۶ ق.
۲. برای ملاحظه توضیحات بیشتری در باره او نک: الانصاری، محمدرضا عبدالامیر، جون مسک للزنوج، آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۳. نک: شمس الدین، مهدی، انصار الحسین، ص ۸۰-۸۱، مؤسسه البعثة، تهران، ۱۴۰۷ ق.
۴. الحر العاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۰، اسلامیه، تهران، ۱۴۰۳ ق.
۵. همان، ج ۱۴، ص ۱۲۱.
۶. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ص ۶۳۲، ش ۳۵۹۵، المكتبه العصریه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق.
۷. برای نمونه نک: غزالی، ابوحامد محمد، المنخول من تعلیقات الاصول، ص ۳۱۵، دار الفکر، دمشق، ۱۴۱۹ ق.
۸. الذین قصدوا سمتهم و تحروا وجهتهم و مضوا علی شاکلتهم. (صحیفه سجادیه، دعای چهارم).
۹. کیف یری الکفار ضرب الاسود\*\*\* بالسیف ضرباً عن بنی محمد
- أذب عنهم باللسان و الید \*\*\* أرجو به الجنة يوم المورد (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۲۲، اسلامیه، تهران، ۱۳۹۸ ق.
۱۰. همان. نیز نک: سعادت پرور، علی، فروغ شهادت، صص ۲۰۹-۲۱۱، پیام آزادی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳ ش.